

شیطان چگونه می‌تواند در شناخت نقاط ضعف به ما کمک کند؟

شناخت نقاط ضعف و قدرت با کمک شیطان!

چقدر با وسوسه‌ها و حمله‌های شیطان آشنایی دارید؟ معمولاً برای شناخت نقاط ضعف خود از چه روش‌هایی کمک می‌گیرید؟ آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که شیطان هم می‌تواند مایه رشد و ترقی ما باشد و در شناخت نقاط ضعف به ما کمک کند؟

همه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به نوعی با [شیطان](#) در ارتباطیم؛ ارتباطی که هم می‌تواند مخرب و به ضرر ما باشد و هم می‌تواند سازنده و به نفع مان باشد؛ چرا که این ارتباط هم مثل ارتباطات ما با دیگر مخلوقات عالم است؛ به عنوان مثال، آتش یکی از نعمت‌های الهی است که اگر شیوه صحیح برخورد با آن را بدانیم، در جهت رفع نیازهای ضروری خود از آن استفاده خواهیم کرد؛ وگرنه همین آتش برای ما مضر و خطرناک خواهد بود. پس آتش به خودی خود بد نیست؛ بلکه این ما هستیم که با کیفیت برخورد با آن، مفید یا مضر بودنش را رقم می‌زنیم. شیطان هم یکی از مخلوقات خداوند بوده و دارای یک وجود دو وجهی است که اگر در شناخت او و چگونگی حمله‌هایش ضعیف عمل کنیم، موجب گمراهی ما می‌شود؛ اما اگر با نگاه درست و انسانی، راه مقابله با او و حمله‌هایش را بیاموزیم، در این صورت قادر خواهیم بود تهدید شیطان را به فرصت تبدیل کرده و به رشد و کمالات انسانی برسیم.

اگر درست به زندگی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که سراسر زندگی ما میدان مبارزه است و یکی از حریف‌های ثابتی که در این میدان باید با او دست‌وپنجه نرم کنیم، شیطان است. شیطان شبیه یک حریف تمرینی است که دست روی نقاط ضعف ما می‌گذارد و ما از شکست‌هایی که در برابر او و حملاتش متقبل می‌شویم، دقیقاً می‌توانیم تشخیص دهیم کدام قسمت از شخصیت‌مان دارای نقص است و کجاها احتیاج به ترمیم دارد. همان‌طور که کشتی گرفتن و شاخ‌به‌شاخ شدن با حریفان در میادین نبرد، ما را قوی می‌کند و نقاط

ضعفمان را به ما می‌شناساند، درگیر شدن با شیطان نیز یک نعمت است که روح ما را روزبه‌روز قوی‌تر می‌کند.

در این مقاله قصد داریم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

عملکرد شیطان، سازوکار حمله‌های او و نحوه ورودش به قلب چگونه است؟

چطور می‌توانیم از وجود شیطان در شناخت نقاط ضعف خود بهره ببریم؟

عملکرد شیطان هنگام ورود به قلب

شیطان در ارتباط با ما، شبیه یک واکسن عمل می‌کند و حمله‌های او میکروب ضعیف شده‌ای از ناامیدی، ضعف، ترس، غم، سستی، تنبلی و کسالت است که از جهات مختلف به قلب ما تزریق می‌شود. شیطان می‌داند که مهم‌ترین سرمایه وجودی ما برای حیات ابدی، یک [قلب سالم](#) است؛ به همین دلیل دائماً در اطراف قلب ما طواف می‌کند و اگر فضایی را خالی ببیند، با چیزهای هرز و آلوده آن را پر می‌کند. شیطان همواره از چهار جهت عقب، جلو، راست و چپ در کمین دستاویزی برای حمله به ماست؛ به طوری که گاه از طریق حمله چپ، ما را به گناه وادار می‌کند و گاه با حمله از عقب، کدورت‌ها، شکست‌ها و گناهان گذشته ما را به رخ‌مان می‌کشد و آن‌ها را بزرگ جلوه می‌دهد تا انرژی و توان حرکت را از ما بگیرد. گاه با حمله جلو، چنان آینده موقت دنیا را برای‌مان وحشتناک و نگران‌کننده ترسیم می‌کند که از آینده ابدی غافل شده و توان اندیشیدن به قبر و قیامت و برزخ را از دست می‌دهیم. خطرناک‌ترین حمله شیطان، حمله از سمت راست است؛ زیرا تشخیص آن از سایر حملات سخت‌تر است؛ در این نوع از حملات، شیطان نقاط قوت و کمالات مقدس و نورانی ما را به قدری برای‌مان بزرگ جلوه می‌دهد که دچار عجب و غرور می‌شویم؛ به این ترتیب پا جای قدم‌های او می‌گذاریم و از خدا دور می‌شویم.

چه بسیار افرادی که بارها مورد حمله‌های مختلف شیطان قرار می‌گیرند، اما تا پایان عمر هیچ شناختی از این نوع حملات ندارند. فراموش نکنیم که شیطان با همهٔ مزاحمت‌ها و اذیت‌هایی که برای ما ایجاد می‌کند، بزرگ‌ترین ابزار رشد و شناخت نقاط ضعف ماست؛ فقط باید یاد بگیریم چگونه با او مقابله کنیم. مسلماً اگر ما قلب را به عنوان حقیقت وجودی خود باور داشته باشیم و حمله‌های شیطان را لازمهٔ وجودی خود بدانیم، در این صورت با تشخیص حملات شیطان، می‌توانیم نقطه ضعف‌های خود را پیدا کنیم و به رشد و کمال برسیم؛ در غیر این صورت، حملات شیطان را به عنوان یک تهدید تلقی نموده و از آن‌ها می‌ترسیم.

نقطه ضعف‌های ما دستگیره‌های ورود شیطان به قلب

شیطان نگاه می‌کند که رگ خواب و نقطه ضعف هرکسی چیست و از همان راه وارد قلب می‌شود. او روان‌شناس بسیار ماهر است و به تناسب روحیات هرکس در قلب او نفوذ می‌کند؛ یک نفر را با پول، یکی را با شهوت، دیگری را با شهرت و مقام و برخی را هم با نماز و عبادت به دام می‌اندازد. معمولاً شیطان زمانی به سراغ ما می‌آید که ما با خلأهای معرفتی، عبادی یا عاطفی مواجه باشیم؛ اگر در این حوزه‌ها تغذیهٔ معنوی و معرفتی نشده و دریافت‌های خوبی نداشته باشیم، قطعاً مورد هجوم شیطان قرار می‌گیریم؛ اما چنانچه ظرف وجود خود را با خوراک‌های معنوی و معرفتی از جمله بهره‌گیری از محضر اساتید صاحب‌نفس، ذکر و یاد خدا، هم‌نشینی با نیکان و صلحا و تفریحات سالم و مفید پر کرده باشیم، در این صورت ظرفیتی برای پذیرش افکار منفی و حمله‌های شیطان نخواهیم داشت. ناگفته نماند که شیطان تسلطی بر ما ندارد و فقط در ذهن ما تولید فکر می‌کند و این مسئله زمانی اتفاق می‌افتد که خود ما بهانه‌ای به دست شیطان بدهیم؛ در واقع، این نقطه ضعف‌ها و انحرافات ما در حوزهٔ ارتباطات، انتخاب‌ها، افکار و رفتارها هستند که بستر مناسبی را برای نفوذ و تسلط شیطان فراهم می‌کنند.

تعصب، کبر و جهل، سه رذیله عمده‌ای هستند که اگر به آن‌ها مبتلا شویم، شیطان هم روی ما سرمایه‌گذاری می‌کند و تا زمانی که این نقطه ضعف‌ها در وجودمان باشد، از دست شیطان رهایی نخواهیم یافت؛ به عنوان مثال، کینه یک دستگیره و حفره بزرگ برای نفوذ شیطان در قلب ماست؛ تا زمانی که دل ما پر از کینه است، شیطان هم روی قلبمان چمبره می‌زند و از دستش خلاصی نداریم.

در این مقاله درباره عملکرد شیطان، نوع حملات او و نحوه ورودش به قلب صحبت کردیم و گفتیم که شیطان از جایی به قلب ما وارد می‌شود که ما تعلق یا نقطه ضعفی در آن حوزه داشته باشیم؛ بنابراین اگر نوع نگاه ما به حملات شیطان و سازوکار این حملات، درست و حساب شده باشد؛ یعنی قلب را به عنوان حقیقت وجودی خود شناخته باشیم و شیطان را به عنوان کسی که در جهت رشد و شناخت نقاط ضعف به ما کمک می‌کند، تلقی نماییم، در این صورت می‌توانیم از جایی که به ما حمله می‌کند، ضعف‌ها و خلأهای خود را پیدا کنیم.